



قال الله تبارك و تعالی:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾

سوره مبارکه شمس، آیه ۹

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

فرق بین دنیا و زندگی دنیا

شناسنامه مطلب	
کد مطلب	t-125
رده	تزکیه‌ای/تقوای عمومی/اصلاح اندیشه/تغییر بینش/نسبت به نظام آفرینش
برچسب	اصلاح اندیشه، دنیا، زندگی، عوالم، آفرینش
توضیحات	

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

آن چه که در مرحله‌های ابتدایی سالک بسیار درگیر آن است، این است که، خیلی وقت‌ها زندگی دنیا با دنیا، خلط می‌شود. دنیا عبارت است از همین عالم خلقت طبیعت که در بین عالم‌های بالا و نوری و جبروتی نسبت به همه آنها، پست‌ترین آنهاست. يك عالمی است اما از نظر درجه وجودی، پست‌تر است. این عالم را، عالم مُلك می‌گویند، در برابر عالم ملکوت. بالاخره دنیا، فعل خداست و بسیار مقدس است. خداوند عبارت‌های جالبی در تعریف و شناخت دنیا بیان می‌فرماید:

سوره ص آیه ۲۷: " وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ " این آسمانها و زمین و آن چه که بین آنهاست، ما باطل خلق نکردیم.

سوره عنکبوت آیه ی ۴۴: " خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ "

این که خلقت آنها حق است، يك مطلب ساده‌ای نیست. این، نکته‌های فراوانی دارد و آن قدر این نکته، بالاست و با ارزش، که هرکسی قابلیت درک این نکته را ندارد. فقط آن‌ها که مومند، می‌فهمند که این آسمان‌ها، به حق خلق شده‌اند. فقط مومنین، از خلقت به حق آسمان‌ها و زمین، لذت می‌برند. دیگران وقتی نگاه می‌کنند، فقط خورشید، ماه، جوی آب، پشه، پر مگس، يك غبار که در مقابل نور خورشید در هوا به سختی دیده می‌شود و... این‌ها را می‌بینند. اما مومنین، آیه می‌بینند.

ملاحظه فرموده‌اید که وقتی به يك بچه دو سه ساله، چك ده میلیونی بدهید، فقط يك کاغذ می‌بیند و راحت پاره می‌کند و آن طرف می‌اندازد. اما تاجر، قشنگ می‌بیند که آن چك ده میلیونی یعنی چه؟ در حالی که يك چیز است. خوب ما الان يك ستون و دریا و... می‌بینیم، یعنی صورت را می‌بینیم، اما خدا می‌فرماید که در این آیه‌ای است. در سوره دخان آیه ی ۳۸ و ۳۹ می‌فرماید:

" وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِأَعْيُنٍ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ "

وَمَا بَيْنَهُمَا: یعنی هر آن چه که بین این‌هاست. یعنی همه چیز.

خیلی عجیب است، گاهی هم جای تاسف دارد که از این معارف غافلیم، این جاست که معلوم می‌شود که هر چه بر استعمار و در رأس آنها دشمنان دین و اولی و ثانی و ثالث، نفرین بکنیم، بازهم کم است و اثر آن در بعضی از حاجت‌ها، کم از صلوات نیست.

اگر يك تکه کاغذی در گوشه‌ای پیدا کنند، این همه رویش سرمایه می‌گذارند که شاید این کاغذ، چیزی باشد. تازه این فقط فرضیه يك شخص است و معلوم نیست که به جایی برسند، شاید هم نرسند. قرآن فرضیه نیست، صحبت از حقایق مسلمی می‌کند، اما اصلاً دنبالش نمی‌رویم. خوب، می‌ارزد که برویم و این همه حقایق را کشف کنیم.

"مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ"

این حق اصلاً چیست؟ این حق، چشیدنی است. آن چه که در بحثهای ذهنی مطرح می‌شود، این که مزه ندارد. همان مثال را که مطرح کرده بودیم، که يك وقت است که یخ در آب، شنا می‌کند و آب را می‌شناسد (اگر خود احساسی داشته باشد) اما اگر ذوب شود، آن وقت می‌فهمد و می‌چشد.

انسان، حق را در ذهن می‌شناسد، این همان یخ منجمد است. پس از این که ذوب شد و خود حق شد، آن وقت می‌چشد.

بنا بر این پست‌ترین عالمی که از نظر درجه‌ی وجودی هست، همین عالم است و این را هم گفتیم که قرآن، آن را به عنوان آیه معرفی می‌کند و می‌فرماید که خیلی قابل ارزش و وسیله بندگی خداست. و گفتیم که زندگی دنیا در بیرون و خارج نیست؛ در درون انسان هست. مثلاً چند تا حوضی را که در یکی آب هست، در دیگری گل هست و دیگری یخ است، در نظر می‌گیریم. وقتی ما به هر سه تایی این ها، يك ضربه‌ی واحد وارد می‌کنیم، اگر چه شدت این ضربه‌ها به درون حوض‌ها یکسان است، اما تأثیرات و چگونگی امواجی که در درون آن‌ها حاصل می‌شود، به تناسب وضعیت محتوای آن‌هاست. اگر انسان را آن حوض و محتوا را آن روح حساب کنیم، آن کیفیت و چگونگی امواجی که در محتوای این ها ایجاد می‌شود و تأثیر می‌پذیرد، آن همان زندگی اوست پس زندگی هر کسی بسته به وضعیت روح اوست که در درون دارد، در بیرون، زندگی معنا ندارد، هرچه در بیرون هست، آن دنیا است.

کتاب فطرت، پایگاه ندای پاک فطرت